

## شیوه پاسخ به پرسشهای دینی (5) - (مراحل تهیه پاسخ)

<?xml encoding="UTF-8">

### اشاره

پس از بیان اهمیت روش شناسی، انواع پرسشها و آداب پرسشگری در شماره های قبل، اکنون مطالبی را در باب قواعد پاسخ دهی بررسی می کنیم.

### قواعد پاسخ دهی

قواعد پاسخ دهی را می توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: 1. مراحل تهیه پاسخ؛ 2. اصول و روشهای پاسخ دهی. با توجه به مراحل، اصول و روشها می توان به شیوه مناسب برای پاسخ دهی دست یافت؛ از اینرو ما نیز ابتدا در این شماره، مراحل تهیه پاسخ را از نظر می گذرانیم و سپس در شماره بعد به مهم ترین اصول و روشهای پاسخ دهی اشاره می کنیم.

### مراحل تهیه پاسخ

پاسخ دهی حداقل دارای چهار گام و مرحله است:

#### 1. موضوع شناسی

در این مرحله پاسخگو موظف است اقدامات زیر را انجام دهد:

(الف) شناسایی درست موضوع پرسش:

یکی از لغزشگاههای مهم پاسخگویان، این مرحله است. برخی از آنان به موضوع پرسش عنایت نمی کنند؛ مثلاً به پرسش کلامی، پاسخ فقهی می دهند و بالعکس و... و یا سعی می کنند به جای پرداختن به روش موضوع پرسش از روشهای دیگری استفاده کنند؛ مثلاً در پاسخ دهی به پرسشهای فلسفی به روشی غیر عقلی و در پاسخ دهی به پرسشهای حدیثی از روش عقلی محض استفاده می کنند، یا در پرسشهای فقهی به جای نقل فتاوی فقها، خود به استدلال فقهی می پردازند.

(ب) تبیین درست موضوع پرسش:

یکی دیگر از وظایف پاسخگو این است که موضوع پرسش را خوب تلقی و سپس به خوبی تبیین کند و آن گاه در پی پاسخگویی بر آید؛ تا مثلاً اگر پرسش از چگونگی است، به چرایی پاسخ داده نشود و بالعکس.

(ج) تعریف موضوع پرسش:

پاسخگو باید قبل از پاسخگویی، موضوع پرسش را دقیقاً بداند و تعریف آن برای خودش واضح باشد. در غیر این صورت به جای پاسخگویی به آنچه از او پرسیده اند، پاسخی ارائه می کند که با پرسش مناسبتی ندارد.

به پرسش و پاسخ زیر توجه فرمایید:

پرسش: موضوع تفکر چیست؟

پاسخ: تفکر را به معنای اندیشیدن یا فکر را به معنای تجزیه و تحلیل مسائل مختلف برای راهیابی به عمق آنها و طریقی برای فهم بهتر و بیش تر دانسته اند. [1] تفکر عمیق؛ یعنی بررسی همه حیثیات و لایه های یک مطلب؛ البته چنین تفکری نتیجه بخش خواهد بود؛ زیرا جایی را برای سؤال و ابهام باقی نمی گذارد؛ اما در تفکر سطحی که اندیشیدن از یک بُعد و یک جنبه است، پر واضح است که نقاط کور فراوانی باز هم باقی خواهد ماند.

به خاطر اهمیتی که فکر و اندیشه در شکوفایی کمالات انسان دارد، قرآن 47 بار روی کلمه عقل، 18 بار روی ماده فکر، 16 بار روی واژه لُب و چهار بار روی لفظ تدبیر تکیه کرده و لفظ نُهی که با عقل مترادف و هم معنا است نیز دو بار آمده و علم و دانش که محصول به کار گرفتن فکر و اندیشه است، 779 بار با تمام مشتقاتش در قرآن وارد شده است. [2]

آیات بسیاری از قرآن مجید همه انسانها را برای شناخت و معرفت به تفکر و اندیشه دعوت می کند. تعبیراتی که در قرآن برای این منبع مهم معرفت به کار رفته، بسیار است که از مجموع آیات این نتایج به دست می آید:

1. قرآن، عقل و خرد انسان را به عنوان یکی از منابع اصیل معرفت شناخته و اهمیت فوق العاده ای برای آن قائل شده است.

2. قرآن، همگان را به تعقل و تفکر بیش تر در همه مسائل دعوت می کند.

3. قرآن، به ابعاد گوناگون روح آدمی، توجه خاصی کرده و روی هر یک از آنها تأکید می کند.

4. قرآن، فعالیت های روح را در زمینه ادراک واقعیات با تعبیرات مختلفی ذکر کرده است و روی هر یک در جای خود تکیه می کند؛ ولی با این حال، موانع متعددی را برای ادراک صحیح عقلی بر شمرده است [3].

شاید در نگاه اول، این پاسخ نیز برای پرسش فوق پاسخی مناسب باشد؛ ولی حقیقت این است که اصولاً به سؤال پاسخ داده نشده. وقتی پرسشگر پاسخ ما را مطالعه کند، ممکن است با خودش فکر کند که پاسخ دهنده اصولاً به موضوع سؤال عنایت نکرده است؛ زیرا پرسش از معنی تفکر و اهمیت آن و مترادفات آن در قرآن کریم و... نبوده است، او در واقع پرسیده است: اگر بخواهیم تفکر کنیم، در چه موضوعاتی باید تفکر کنیم؟ و اینکه در احادیث آمده است یک ساعت فکر کردن از شصت یا هفتاد سال عبادت کردن بهتر است [4] ما درباره چه چیزهایی باید فکر کنیم؟ که در پاسخ باید به مواردی چون عجایب آفرینش الهی انسان، [5] مرگ و حیات او، رابطه او با طبیعت، اعمال و رفتار آدمی و...، تاریخ (سرنوشت پیشینیان) [6]، تفکر در اوامر الهی [7] و... اشاره شود؛ چنانکه مناسب است گفته شود: مشابه همین پرسش و اینکه موضوع تفکر چه چیزی می تواند باشد، از امام صادق (ع) پرسیده شد که آن حضرت یکی از موضوعات تفکر را عبور از خرابه ها و تأمل در سرنوشت ساکنان و بانیان آنها دانسته است. [8]

(د) تحدید موضوع پرسش:

پاسخ دهنده در این مرحله باید حدود موضوع را دقیقاً مشخص کند که پاسخ مطابق با پرسش باشد. اگر موضوع پرسش تحدید نشود، پاسخ یا استدلالی که در جواب آمده، اعم یا اخص از پرسش شده و نتیجه مطلوب به دست نخواهد آمد. شاید یکی از بهترین نمونه های تحدید موضوع، مناظره امام جواد (ع) با «یحیی بن اکثم» باشد. در این مناظره یحیی از امام پرسید: «نظر شما درباره فردی که در حال احرام شکاری را بکشد چیست؟» حضرت جواد (ع) برای آنکه موضوع پرسش دقیقاً محدود و مشخص شود، فرمود: «آیا در خارج از حرم کشته است یا در داخل حرم؟ دانا به مسئله و حکم بوده یا جاهل؟ عمداً کشته یا به خطا؟ آن فرد آزاد بوده یا برده؟

اولین بار بوده که چنین کاری کرده یا پیش از آن نیز انجام داده؟ شکار از پرندگان بوده یا غیر آن؟ شکار کوچک بوده یا بزرگ؟ اصرار بر چنین کاری دارد یا نادم و پشیمان است؟ شکار در شب اتفاق افتاده یا در روز؟ در احرام عمره بوده یا احرام حج؟!» [9]

روشن است که اهمیت تحدید موضوع، در مناظره بیش از پاسخ دهی به سؤالات است؛ ولی در پرسشهای تعنتی، اگر موضوع محدود نشود، ممکن است پرسشگر متعنت، پس از دریافت پاسخ با این بهانه که مقصود او قسم دیگری از اقسام محتمل پرسش است، پاسخ را غلط قلمداد کند؛ چنانکه در پرسشهای تفقهی نیز همین گونه است. چه بسا مقصود پرسشگر قسم دیگری از اقسام محتمل پرسش بوده؛ ولی پاسخگو بدون توجه به تحدید موضوع، به قسمی دیگر پاسخ داده باشد.

ه) تشخیص ارتباط موضوع با موضوعات اعم و اخص و مشابه:

در این مرحله پاسخ دهنده به بررسی ارتباط موضوعی که از آن پرسش شده با موضوعات اصلی و فرعی و سرعنوانهای بحث می پردازد، تا علاوه بر مشخص شدن اصول موضوعه و مباحث وابسته، ارتباط بحث با مباحثی که به نوعی با موضوع پرسش ارتباط دارند، مشخص شود. پاسخگو با مشخص کردن اصول موضوعه می تواند مبانی پاسخ خود را مستحکم کند و پاسخ خود را بر مبانی استواری بنیان نهد و پرسشگر را از فرو افتادن در ورطه مغالطه حفظ کند. حتی الامکان از پرداختن به مباحثی که وابستگی بعیدی به پرسش دارند، خود داری کند.

## 2. طرح پاسخ و چارچوب اصلی

مرحله دوم و در واقع مهم ترین گام در پاسخ دهی، سازمان دهی پاسخ است. محقق پس از عبور از مرحله اول و شناخت دقیق موضوع به گونه ای که گذشت، در این گام باید چند نکته مهم را بررسی کند:

- مهندسی اصلی پاسخ:

او در این مرحله بررسی می کند که برای رسیدن به نتیجه مطلوب از چه مقدمه ای و چگونه استفاده کند، مقدار مقدمه، براهینی که در پاسخ باید به آنها اشاره شود، تقدم و تأخر براهین، فصول و بندهای پاسخ و نتیجه ای که باید گرفته شود، از مهم ترین اقداماتی است که در مهندسی اصلی پاسخ باید بدان توجه شود.

- بررسی روشها و تکنیکها:

محقق با توجه به نوع سؤال، موضوع آن، مشخصات پرسشگر (سن، جنسیت، تحصیلات، شهر و کشور، ملیت و زبان، منطقه جغرافیایی) مقتضیات زمانه و... بررسی می کند که برای این پرسش و پرسشگر چه پاسخی و با استفاده از چه تکنیکهایی مناسب است. چه بسا ممکن است به سؤالی نباید پاسخ داد و پاسخی که به یک پرسشگر داده می شود، با پاسخی که به پرسشگر دیگری داده می شود، بسیار متفاوت است. در پاسخگویی حضوری از تکنیکهایی بهره گیری می شود، که در پاسخ دهی کتبی نمی توان از آن بهره گرفت. پاسخی که به کاربران اینترنت ارائه می شود، با جوابی که به دانش آموزانی که با اینترنت سر و کار ندارند داده می شود، متفاوت است و... محقق در این مرحله با بررسی دقیق به این نتیجه می رسد که از چه تکنیکهایی استفاده کند تا بهتر و سریع تر به مقصود برسد.

محقق و پاسخ دهنده با توجه به آنچه گذشت چارچوب و فهرست مطالبی را که در پاسخ باید بدان پرداخته شود تهیه می کند تا راه برای مرحله بعدی هموار شود. در این مرحله محقق به جای جستجو باید طراحی دقیق کرده و سعی کند هر کدام از اجزای پاسخ را در جای خودش قرار دهد. او همانند مهندسی است که قبل از شروع به

ساخت، نقشه ساختمان را با دقت طراحی می کند. اگر به این مرحله عنایت نشود، همانند ساختمانی که بدون نقشه ساخته می شود، پس از صرف وقت و هزینه فراوان ممکن است بارها تخریب و بازسازی شود و باز هم نتیجه مورد نظر به دست نیاید.

این مرحله نیز از لغزشگاههایی است که بسیاری از پاسخ دهندگان ممکن است مرتکب اشتباه شوند. آنان چون قبل از شروع به پاسخ، چارچوب پاسخ را ندیده اند، گاه آن قدر در مقدمه می مانند که ذی مقدمه فدای مقدمه می شود، و گاه بدون ارائه مقدمه لازم مستقیماً به سراغ اصل پاسخی می روند که فهم آن برای پرسشگر بسیار دشوار است. گاه با آنکه می توانند با ارائه یک مثال، مطلب را بسیار قابل فهم کنند، از ارائه مثال سر باز می زنند و یا مثالهایی ذکر می کنند که ربطی به پرسش ندارد. به زبان روز سخن نمی گویند و برای پرسشگران کلاس ابتدایی پاسخی می نویسند که فهم آن ممکن است برای معلمان آنها نیز دشوار باشد و...

### 3. جمع آوری اطلاعات

در این مرحله باید اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شود. مهم ترین روش جمع آوری منابع در پاسخهای مذهبی، روش کتابخانه ای است؛ از اینرو به ذکر این روش بسنده می شود. منابعی که در روش کتابخانه ای بدان مراجعه می شود، عبارتند از:

منابع مکتوب:

مهم ترین وظایف پاسخگو در این زمینه عبارتند از:

الف. شناسایی منابع.

ب. دسته بندی منابع به منابع دست اول و سایر منابع.

ج. توجه به منابع دست اول، اصیل، معتبر و استفاده از آنها به ترتیب تاریخ تألیف، تخصصی بودن متن، تخصص و اهمیت مؤلف و...

د. مراجعه به کتابهای هر علم با توجه به موضوع پرسش؛ یعنی پاسخگو نباید حدیث را از کتابهای تفسیری و مطالب تاریخی را از منابعی که خود، مطالبشان را از منابع دیگر گرفته اند و... نقل کند؛ بلکه برای نقل حدیث باید به کتابهای معتبر حدیثی به ترتیب تاریخ تألیف آن مراجعه نماید. و مطالب تاریخی را از کتابهای متخصصان همان علم اخذ کند. گاه دیده می شود که برخی از نویسندگان، احادیث خود را به کتابهای معاصر و... استناد می کنند. این کار باعث کاسته شدن از ارزش علمی پاسخ تهیه شده می شود.

در صورتی که ذکر مطلبی از کتب نویسندگان معاصر از جهتی اولویت داشته باشد، مثلاً نویسنده مطلب را از منابع اصیل نقل و نقد کرده یا بین مطالب متنوع و گاه به ظاهر مخالف جمع کرده یا به پرسشی پاسخ داده است، در این صورت باید مطلب اصلی از کتب دست اول اخذ و سپس توضیحات نویسنده معاصر آورده شود.

ه. آشنایی با کلید های استفاده از منابع؛ کلیدهایی همچون فهرست اجمالی و تفصیلی منبع، فهرستواره های موضوعی، فهرست واره واژگان، تک نگاریها، دائرة المعارفهای تخصصی و...

و. توجه به آیین نگارش و ویرایش، استناد و ارجاع و چگونگی معرفی منابع و نویسندگان و...

در پرسشهای تعنتی، اگر موضوع محدود نشود، ممکن است پرسشگر متعنت، پس از دریافت پاسخ با این بهانه که مقصود او قسم دیگری از اقسام محتمل پرسش است، پاسخ را غلط قلمداد کند؛ چنانکه در پرسشهای تفقهی نیز همین گونه است.

منابع نرم افزاری:

با توجه به پیشرفت روز افزون علوم و تکنولوژی و ارائه نرم افزارهای بسیار مناسب اسلامی، هر پژوهشگری باید بتواند از این نرم افزارها به شکل بهینه استفاده کند. اگر امروزه پاسخگویی نتواند با نرم افزارهای اسلامی - حداقل در حد شناخت نرم افزارها و استفاده از آنها - کار کند، چنین شخصی را می توان بی سواد نامید. پژوهشگر نه تنها باید با نرم افزارهای اسلامی و شیعی و نرم افزارهای کاربردی جهانی مانند wod آشنا باشد؛ بلکه باید نرم افزارهای مهم اهل سنت و روش کار با آن را نیز بداند. [10]

در یکی از سفرهای عمره، روزی برای مطالعه به یکی از کتابخانه های مسجد النبی که در طبقة دوم مسجد قرار دارد رفتم. در کتابخانه، رایانه ای قرار داشت. روی Desktop مانیتور چشمم به نرم افزار «مکتبة الكبرى» یکی از بزرگ ترین و مهم ترین نرم افزارهای اسلامی افتاد. به مسئول کتابخانه گفتم: من به دنبال حدیثی هستم، آیا شما می توانید به من کمک کنید؟ مسئول کتابخانه گفت: چه حدیثی؟ گفتم: اینکه پیامبر اکرم رو به حضرت علی (ع) فرموده است: «إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ [11] این شخص و شیعیانش در روز قیامت رستگارانند.» وقتی این مطلب را گفتم، توجه برخی از دانشجویان و طلاب حوزه های مدینه که در کتابخانه مشغول مطالعه بودند، به سخنان ما جلب شد. مسئول کتابخانه که گویا این حدیث اصلاً به گوشش نخورده است، گفت: چنین حدیثی وجود ندارد. گفتم: اجازه می دهید لحظه ای به رایانه شما مراجعه کنم و خود، روایت را بیابم؟ گفت: نه؟ گفتم: چرا؟ در حضور خودتان روایتی که به دنبالش هستم را پیدا می کنم. با اکراه قبول کرد که این کار را انجام دهم. من نیز بلافاصله حدیث را یافتم و چند دقیقه ای با دقت به روایت و منابعی که آن را نقل کرده بودند، چشم دوختم. سپس به مسئول رایانه گفتم: حدیث بسیار جالبی است! روایت را روی صفحه نمایش رایانه گذاشتم و به کناری رفتم. دانشجویان و طلاب که گویا بحث ما را پی گیری می کردند، بلافاصله دور رایانه اجتماع کرده و در باره حدیث به گفتگو نشستند. من مدتی صبر کردم تا گفتگو کنند. سپس نزد آنان آمده، گفتم: روایت بسیار زیبایی است! یکی از آنان که گویا از بقیه باسوادتر بود، در پاسخ من گفت: این روایت قابل قبول نیست. گفتم: چرا؟ گفت: چون روایت را تنها یک راوی نقل کرده است. گفتم: اولاً حتی اگر یک راوی هم نقل می کرد، باز هم قابل استدلال بود؛ چون اگر متن و سند خبر واحد مشکلی نداشته باشد، حجت است و حدیث مذکور چنین است. ثانیاً به نظر می رسد دقت نکرده اید؛ چون تنها در همین نرم افزاری که در مقابل شما است و خود اهل سنت تدوین کرده اند. حداقل هشت روایت نقل شده است که راویان مختلفی از جمله برخی از بزرگان اصحاب مانند: «ابن عباس»، «جابر» و... و مفسران و مورخان بزرگ اهل سنت آن را نقل کرده اند. چگونه ادعا می کنید که فقط یک نفر آن را نقل کرده است؟

او پاسخ داد: حتی اگر روایت را بپذیریم، باز هم فرموده است که حضرت علی و شیعیانش در قیامت از رستگاران هستند، نفرموده: تو! گفتم من هم همین را می خواهم؛ شما هم بیاوید از شیعیان علی بشوید تا رستگار شوید! شما هم در گفتار و کردار از علی پیروی کنید، نه از دیگران، و بحث ادامه یافت.

سایتها و وبلاگها؛

با توجه به نقش غیر قابل انکار اینترنت در پیشبرد علوم، می توان گفت: آشنایی با اینترنت از ضروری ترین مسائلی است که یک پژوهشگر باید با آن آشنا باشد. [12] آنچه این ضرورت را ملموس و عینی می کند، دو امر است:

الف) آشنایی پرسشگران با اینترنت و شبهات موجود در این فضا:

امروزه کمتر جوانی است که با اینترنت آشنا نباشد. این آشنایی باعث شده که دشمنان دین سعی کنند از اینترنت سوء استفاده و از این طریق به گمراه کردن جوانان اقدام کنند. نام برخی از سایتهای ضد دین آن قدر آشناست که بسیاری از جوانان آنها را می شناسند و یا از طریق جستجو به راحتی می توانند به هزاران سایت ضد دینی و مبتذل دست یابند. در حال حاضر میلیونها نفر از جوانان ایرانی دارای حداقل یک وبلاگ برای ارائه نظریات خود در باره مسائل مختلف در اینترنت هستند. از اینرو، روحانیون باید علاوه بر آشنایی با اینترنت و شبهات و سؤالات موجود در سایتهای ضد دینی، راههای مقابله با این شبهات را بدانند و سنگ را به همان جایی برگردانند که از آنجا آمده است؛ چنانکه امیرمؤمنان فرمود: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَذْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ [13]؛ سنگ را بدانجا که از آن آمده برگردانید، که شر را جز شر دفع نمی کند.»

محققان توانا با شناخت مناسب اینترنت و سایتهای ضد دین می توانند به شبهات پاسخ گویند؛ بلکه از این وسیله می توانند به بهترین شکل ممکن برای تبلیغ دین مبین اسلام و مذهب حقه جعفری استفاده کنند و می توانند از مصادیق عالمان به زمان باشند که شبهات و مشتبهاات به آنان حمله ور نمی شوند [14].

ب) وجود دهها هزار سایت مناسب و میلیونها جلد کتاب و مقاله در اینترنت و نیز امکان دسترسی بسیار آسان به این منابع:

این امر باعث می شود پژوهشگر در بسیاری از موارد به جای ساعتها جستجو در کتابها با صرف تنها چند دقیقه وقت، به مطلب مورد نظر خودش دست یابد؛ چنانکه می تواند مقالات و کتابهایی را که خود تألیف کرده است در این فضا قرار دهد تا برای همه حق جویان قابل استفاده باشد.

#### 4. دفاع از پاسخ

آخرین مرحله از مراحل کلی پاسخ دهی که در همه پاسخها باید جریان داشته باشد، دفاع از پاسخ است. پاسخگو باید ابتدا خودش پاسخی را که ارائه می کند، نزد خودش بررسی و بازخوانی کند، خودش را به جای پرسشگر بگذارد و ببیند آیا با دریافت پاسخ مطرح شده، قانع می شود؟ اگر چنین نیست، باید اشکال را یافته و آن را رفع کند و پس از ارائه پاسخ نیز جواب دهنده باید بتواند از پاسخ خود دفاع کند. این مرحله نیز همانند سایر مراحل پژوهشی؛ چون تدوین پایان نامه است که نویسنده در صورتی موفق خواهد بود که بتواند از آنچه تدوین کرده است، به خوبی دفاع کند.

پی نوشت ها :

[1]. ترجمان القرآن، جرجانی، ص28.

[2]. ر.ک: منشور جاوید، ایت الله جعفر سبحانی، ج4، ص294.

[3]. ر.ک: پیام قرآن، ج اول، ص140 به بعد.

[4]. در برخی روایات ستین و در برخی سبعین آمده است؛ از جمله: «تفکر ساعة خیر من عبادة ستین سنة» (بحار الأنوار، ج 66، ص293).

و: «تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة.» (عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور أحسائی، ج2، ص57).

[5]. چنانکه خداوند می فرماید: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (اعراف/ 185)؛ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولَى الْأَلْبَابِ\* الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران/ 191).

[6]. «روى عن امير المؤمنين (ع): «تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة» قال: و هو أن تمر على الخبرة، فتقول: أين بانوك؟ أين ساكنوك؟ مالك لا تتكلمين؟» ( نور البراهين، السيد نعمة الله الجزائري، ج 1، ص 79؛ كتاب الزهد، حسين بن سعيد كوفى، ص 15).

[7]. بحار الأنوار، ج 68، ص 325.

[8]. شخصی به نام «حسن صیغل» گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا یک ساعت فکر کردن از عبادت یک شب بهتر است؟ «قَالَ: نَعَمْ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 9 تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ. قُلْتُ: كَيْفَ يَتَفَكَّرُ؟ قَالَ: يَمُرُّ بِالذُّوْرِ الْخَرَبَةِ. فَيَقُولُ: أَيْنَ بَانُوكِ؟ أَيْنَ سَاكِنُوكِ؟ مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ؟» (بحار الأنوار، ج 68، ص 325) آری رسول خدا (ص) فرموده: تفکر یک ساعت بهتر از قیام یک شب است، گوید: گفتم چگونه فکر کند، فرمود: از خانه های خراب عبور کند و بگوید ساکنان و بانیان شما کجا هستند؟ چرا سخن نمی گویند؟

[9]. «قَالَ يَحْيَى! مَا تَقُولُ؟ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي مُحْرِمٍ قَتَلَ صَيْدًا؟ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): قَتَلَهُ فِي حِلٍّ أَوْ حَرَمٍ عَالِمًا كَانَ الْمُحْرِمُ أَوْ جَاهِلًا قَتَلَهُ عَمْدًا أَوْ خَطَأً خُرًّا كَانَ الْمُحْرِمُ أَوْ عَبْدًا صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا مُبْتَدئًا بِالْقَتْلِ أَوْ مُعِيدًا مِنْ ذَوَاتِ الطَّيْرِ كَانَ الصَّيْدُ أَمْ مِنْ غَيْرِهَا مِنْ صِغَارِ الصَّيْدِ أَمْ مِنْ كِبَارِهِ مُصِرًّا عَلَى مَا فَعَلَ أَوْ نَادِمًا فِي اللَّيْلِ كَانَ قَتْلُهُ لِلصَّيْدِ أَمْ بِالنَّهَارِ مُحْرِمًا كَانَ بِالْعُمْرَةِ إِذْ قَتَلَهُ أَوْ بِالْحَجِّ كَانَ مُحْرِمًا.»

[10]. برخی از نرم افزارهای مناسب و مهم برای پژوهشهای قرآنی عبارتند از:

«المكتبة الاسلامية الكبرى» از اهل سنت که در نسخه جدید آن تعداد بسیار زیادی از کتابهای شیعه نیز افزوده شده است.

«المعجم الفقهي 3» از شیعه.

«المعجم العقائدي» از شیعه.

«المعجم العقائدي» از اهل سنت.

«جامع التفاسير» شیعه.

«جامع الأحاديث» (نور 2 و 2.5) شیعه.

«مكتبة علوم القرآن و التفاسير» اهل سنت.

«مكتبة التفاسير و علوم القرآن» اهل سنت.

«نورالانوار 2 و 3» شیعه.

قرآن در اینترنت (نسخه های متعدد)

«صراط» از شیعه

....و

[11]. این روایت را بسیاری از اهل سنت نقل کرده اند که به عنوان نمونه روایاتی که سیوطی در تفسیر «در المنثور» در این زمینه نقل کرده، چنین است: «أخرج ابن عساكر عن جابر بن عبد الله قال كنا عند النبي 9 فاقبل على فقال النبي 9 والذي نفسي بيده ان هذا وشيعته لهم الفائزون يوم القيامة ونزلت ان الذين آمنوا و عملوا

الصالحات أولئك هم خير البرية فكان أصحاب النبي 9 إذا أقبل على قالوا جاء خير البرية \* وأخرج ابن عدی وابن عساكر عن أبي سعيد مرفوعاً على خير البرية \* وأخرج ابن عدی عن ابن عباس قال لما نزلت «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية» قال رسول الله 9 لعلی هو أنت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين \* وأخرج ابن مردويه عن علي قال قال لي رسول الله 9 ألم تسمع قول الله ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية أنت وشيعتك وموعدى وموعدكم الحوض إذا جاءت الامم للحساب تدعون غرا محجلين» (در المنثور، جلال الدين السيوطی، ج6، ص379)

[12]. برخی از سایتهای مناسب عبارتند از:

شیعه سرچ: [www.shiaseach.com](http://www.shiaseach.com)

پایگاه مرکز فرهنگ و معارف قرآن

[www.maaeuan.com](http://www.maaeuan.com)

پایگاه های مرکز کامپیوتری علوم اسلامی <http://www.asi.nooso.t.og>

سایت نورمگز (از جمله سایت های مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور)

<http://www.noomags.com>

پایگاه حوزه [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

پایگاه آل البيت [www.al-shia.com](http://www.al-shia.com)

پایگاه بلاغ [www.balagh.net](http://www.balagh.net)

سایت کتابخانه های آستان قدس که از این سایت می توان به سایر کتابخانه ها نیز دست یافت.

بانک اطلاع رسانی سراسری اسلامی

[www.islamicdatabank.com](http://www.islamicdatabank.com)

بانک اطلاعات مقالات اسلامی

[www.seaj.i](http://www.seaj.i)

سیستم جامع اطلاع رسانی «سیمرغ» برای دسترسی به کتابخانه های مهم کشور:

<http://www.nosasoftware.com>

سایت تبیان وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی (که همانند سایت [shaeh.com](http://shaeh.com) که وابسته به دفتر تبلیغات

اسلامی است، خدمات اینترنت نیز ارائه می کند [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)).

پایگاه ایسکا (پایگاه اطلاع رسانی فعالیتهای قرآنی دانشجویان ایران)

ایکنا، خبرگزاری قرآنی ایران

اندیشه قم و...

[13]. نهج البلاغه، ج4، ص75، کلمه 314 از کلمات قصار.

[14]. چنانکه امام صادق (ع) فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ.» (کافی، ج1، ص26؛ بحار الأنوار، ج57،

ص269) شارح بزرگ «کافی» ملا محمد صالح مازندرانی در شرح این حدیث می نویسد: مقصود حضرت این

است: دانشمندی که دانای به احوال مردم زمانه و آداب و رسوم بیهوده ای همانند انکار حقوق و پیروی هواهای

نفسانی و ترویج شرور و دروغگویی است را شبیه گران و افرادی که می خواهند حق و باطل را به هم در آمیزند

نمی توانند گول بزنند. چنین افرادی فریب فریبکاران را نخورده، با القای شبهات و در آمیختن حق و باطل نمی

لغزند. (شرح اصول کافی، ج 1، ص 322).